

بررسی نقش نگرش به عشق در پیش‌بینی طلاق عاطفی زنان و مردان متأهل شهر قزوین

سیده فاطمه موسوی*

استادیار گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء (س)

سید محمدرضا رضازاده

استادیار گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه تهران

چکیده

مطالعه حاضر با هدف بررسی نگرش به عشق در پیش‌بینی طلاق عاطفی زنان و مردان متأهل شهر قزوین انجام شد. روش پژوهش از نوع توصیفی و همبستگی بود. نمونه ۲۰۰ نفر از زنان و مردان متأهلی بودند که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس از مناطق مختلف شهر قزوین از میان افرادی انتخاب شدند که تقریباً پنج سال از ازدواج آنها گذشته بود. برای گردآوری اطلاعات از فرم کوتاه مقیاس نگرش به عشق (LAS) هندریک و هندریک با ضریب آلفای (۰/۸۲) و مقیاس طلاق عاطفی گاتمن با ضریب آلفای (۰/۹۳) استفاده شد. نتایج حاصل از همبستگی پیرسون و تجزیه و تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که بین طلاق عاطفی و انواع نگرش به عشق (شهوایی، دوستانه و نوع دوستانه) رابطه معناداری وجود دارد. یافته دیگر اینکه نگرش‌های عشقی شهوانی، بازی‌گونه و دوستانه به ترتیب به میزان ۳۰٪، ۳۲٪ و ۳۳٪ در سطح معناداری ($p \leq 0/01$) قابلیت پیش‌بینی طلاق عاطفی را دارند. کیفیت نگرش همسران به مقوله عشق، به عنوان متغیر پیش‌بینی‌کننده رضایت یا عدم رضایت زناشویی، نقش مهمی در فرایند زندگی مشترک ایفا می‌کند. لذا توجه درمان‌گران خانواده به نگرش‌های عشقی همسران، می‌تواند شرایط تثبیت زناشویی موفق را در آینده زندگی مشترک آن‌ها فراهم کند.

واژگان کلیدی

نگرش‌های عشقی؛ طلاق عاطفی؛ قزوین

* نویسنده مسئول

مقدمه و بیان مسئله

ازدواج آغاز شکل‌گیری روابط خانوادۀ هسته‌ای است، رابطه‌ی زن و مرد نیز در پیچیده‌ترین نوع آن، یعنی «عشق»، صحبت تازه‌ای نیست و همان اندازه که قدیمی است، غامض و ناشناخته است (ساروخانی، ۱۳۷۵)، هیچ حوزه‌ای از رفتار آدمی نیز وجود ندارد که در آن به اندازه‌ی جاذبه‌ی متقابل، دوست داشتن، عاشق شدن و تمایل جنسی، شناخت‌ها و هیجان‌ها به شکلی پیچیده در هم تنیده شده باشند (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۷). هر نظریه‌ای درباره‌ی عشق باید با نظریه‌ی انسان، با نظریه‌ی هستی بشر آغاز می‌شود. عشق پاسخی است به تسکین اضطراب فرد از جدایی و تنهایی (فروم^۱، ۱۳۸۰)، بک^۲ (۱۳۹۰) نیز معتقد است عشق، جزء مهم و مؤثر در ازدواج‌های موفق است. هالینگشده^۳ بر این باور است که فقدان عشق اگرچه موجب زوال خانواده نمی‌شود، لیک برای سعادت خانوادگی امری ضروری است (به نقل از ساروخانی، ۱۳۷۵)؛ از دید فروم (۱۳۸۰) عشق عبارت است از «رغبت جدی به زندگی و پرورش آن‌چه بدان مهر می‌ورزیم». عشق درکامل‌ترین شکل خود با علائم زیر همراه است: ۱) با آرزوی تملک معشوق و همانندسازی با او؛ ۲) حساسیت و محبت به معشوق؛ ۳) اشتیاق به محافظت از معشوق و ارضای خاطر او و ۴) تمایلات جنسی نسبت به معشوق و... (بیابانگرد، ۱۳۸۳)، از این رو، عشق‌ورزی عموماً دربردارنده‌ی احساسات نیرومند وابستگی، صمیمیت و نوعی نگرانی برای بهروزی معشوق است (ارونسون^۴، ۱۳۹۱). استرنبرگ (۱۳۹۱) در دیدگاه سه وجهی خود از عشق شامل: صمیمیت^۵، هوس (شهوت)^۶ و تعهد^۷، بر این باور است که گونه‌های مختلف عشق از ترکیب این سه عنصر پدید می‌آید؛ به این معنی که ویژگی عشق رمانتیک، صمیمیت به علاوه شور و

1. Fromm

2. Beck

3. Hollingshead

4. welfare

5. Oronson

6. intimacy

7. passion

8. commitment



شهوت است، ویژگی عشق/احمقانه، تعهد است که تنها شور و شهوت به آن دامن می‌زند و عشق کامل یا تمام عیار، آمیزه‌ای از همه این مؤلفه‌هاست. بنابراین، به نظر استرنبرگ، در هر رابطه عاشقانه‌ای، همه عناصر تشکیل‌دهنده با سطوح مختلف حضور داشته و در نتیجه هشت نوع عشق به وجود می‌آید. عشق آرمانی، هر یک از عناصر را با سطوح بالا شامل می‌شود. عشق عاطفی یا همان عشق مصاحبتی از صمیمیت و تعهد سطح بالا و از هوس سطح پایین تشکیل می‌شود، در حالی که عشق هوس به دو نوع تقسیم می‌شود: عشق وسواسی و عشق رمانتیک. عشق وسواسی، صمیمیت و تعهد سطح پایین، اما هوس سطح بالا را با خود همراه دارد. عشق رمانتیک، با صمیمیت و هوس سطح بالا، تعهد سطح پایین همراه است (بدار، دزیلک و لامارش^۱، ۱۳۸۱). به علت ناتوانی سایر دیدگاه‌ها در تبیین عشق، لی^۲ (۱۹۸۸) سعی کرد تا آن را به شکلی دیگر توصیف کند. او نوعی تیپ‌شناسی معرفی می‌کند که بر شباهت رنگ‌ها استوار است. سه تیپ عشق اولیه عبارت هستند از: شهوت، بازی و عشق دوستانه. تیپ‌های ثانویه نیز شامل: عشق ملکی (شیدایی)^۳، نوع دوستی^۴ و عشق عملی^۵ است، در عشق شهوانی، جاذبه جسمی و رابطه جنسی در اولویت قرار می‌گیرد. در این نگرش، همسران ازدواج را به منزله گسترش ماه عسل تلقی کرده و تجربه جنسی را به عنوان یک تجربه غایی زیبایی شناختی قلمداد می‌کنند. در عشق بازی^۶ گونه، عشق به صورت یک بازی مطرح بوده و در آن تعهد کم‌تری وجود دارد. افراد این دسته، ازدواج را دام فرض کرده و حتی الامکان از درگیر شدن در روابط پایا اجتناب می‌کنند. عشق بی‌ریا (دوستانه)^۷، با دوستی آغاز شده و به مرور زمان گسترش می‌یابد، در این روابط، تجربه جنسی اهمیت کم‌تر و احترام، صمیمیت و درک دوجانبه اهمیت بیش‌تری نسبت به دیگر نگرش‌های عشقی دارند. عشق ملکی، وسواس گونه، انحصاری و حسود بوده و با

^۱. Bedar, Deziel & Lamarch

^۲. Lee

^۳. mania

^۴. agage

^۵. pragma

^۶. ludus

^۷. storge

عشق هوسی مطابقت دارد. آن‌ها ازدواج را مالکیت و فرزندان را رقیب یا جایگزین مایملک قبلی می‌دانند. در عشقِ نوع‌دوستانه، فرد انتظار مقابله به مثل ندارد، افراد دارای این نگرش، شریک عشقی خود را موهبت فرض کرده، از فدا شدن و عطا کردن بیش از دریافت کردن لذت می‌برند. لی معتقد است که این نوع عشق به ندرت یافت می‌شود. عشقِ عملی نیز، متکی بر جستجوی شریکی است که با انتظارات، علائق، گذشته‌ها و شخصیت فردسازگار است، افراد دارای این نوع نگرش، انتظارات واقع‌بینانه و منطقی از شریک زندگی خود داشته و قصد دارند از طریق کار با شریک خود به اهداف مشترکی دست یابند، آن‌چه که مبنای ازدواج برای همسران واقع می‌شود. با این حال، به نظر لی، در زندگی واقعی به ندرت می‌توان یک تیپ ناب پیدا کرد (بدار و همکاران، ۱۳۸۱).

به باور بوئن^۱ (۱۹۷۸) آغاز فرآیند رابطه همسری، با درآمیختگی و امتزاج عاطفی شکل می‌گیرد، در این جریان، ضروری است همسران در سطوح یکسانی از تمایز و افتراق روانی قرار داشته باشند، کنترل عاطفی این فرآیند عقلانی، تعیین‌کننده سطوح این تمایز است. رابطه معکوسی بین سطوح تمایز و درآمیختگی عاطفی مشاهده می‌شود، به این معنا که تمایز بالا با درآمیختگی پایین همراه است. درآمیختگی بیش از حد همسران، به اضطراب در یک یا هر دو زوج منجر می‌شود. شایع‌ترین طریقه توجه به این استرس، فاصله عاطفی^۲ یا طلاق عاطفی^۳ میان همسران است. سه روش دیگر جبرانی عبارت هستند از تعارضات زناشویی، بیماری یا بدکارکردی یکی از همسران و فرافکنی مسئله به فرزندان. در فرآیند بهنجار روابط زناشویی، روابط بین زوج، دوسویه و مانند یک خط مستقیم باشد، اما گاه موضوعاتی چون تولد فرزند، مشکلات اقتصادی، ظهور یک رقیب، والدین هر یک از طرفین، رویا و تصوراتی که هریک از طرفین از روابط زناشویی در ذهن دارند و... رأس سومی ایجاد کرده و روابط زوج را در یک «مثلث ارتباطی» قرار می‌دهد (خواصی، ۱۳۸۹)، در یک رابطه مثلثی، عضو سوم، انرژی

1. Bowen

2. emotional distance

3. emotional divorce



اضافی برخاسته از رابطهٔ دوئیت اولیه را جذب کرده، در نتیجه موجبات حفظ رابطهٔ نزدیک بین همسران را فراهم می‌کند (ربستنچک^۱، بی‌تا). مدیریت کردن مثلث‌ها یعنی استفاده از بالغ درونی طرفین برای رسیدن به راه‌حلی توافقی و مسالمت‌آمیز، به گسترش حریم زناشویی پویا و رو به تکامل منجر می‌شود، اما با گسترش تعارضات، روابط زوج درگیر کشمکش‌های دوجانبه شده، فاصله‌های عاطفی را افزایش داده، به طلاق عاطفی میان همسران منجر می‌شود، شکلی از همزیستی که زوج‌ها در یک مکان زندگی می‌کنند، اما کشش و گرایش نسبت به یکدیگر نداشته، نسبت به هم بی‌تفاوت هستند (خواصی، ۱۳۸۹). نگرش‌های عشقی همسران، فرآیند درآمیختگی عاطفی همسران است که بسته به میزان تمایز یافتگی آن‌ها، به واکنش‌های متفاوتی چون کناره‌گیری عاطفی^۲، اختلافات زناشویی، واکنش‌های تدافعی و ... منجر می‌شود، آنچه از دیدگاه گاتمن (۲۰۱۲) به عنوان مؤلفه‌های پیش‌بین طلاق معرفی می‌شوند.

امروزه دیگر، جدایی زناشویی^۳ و طلاق پدیده‌هایی رایج به شمار می‌روند. به نقل از گاتمن^۴ (۱۹۹۳) حدود ۷۵٪ از این جدایی‌ها در نهایت به طلاق منجر می‌شود. مطالعات دیگری نشان داده است که طلاق قانونی بیش‌تر در ۴ سال پس از ازدواج رخ می‌دهد (کوک و جونز، ۲۰۰۲). نسبت ازدواج به طلاق در استان قزوین ۷/۲۲ به ۱ است (ثبت احوال استان قزوین، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰)، میزان طلاق در این استان به گونه‌ای است که پس از صدور چک، ضرب و جرح و سرقت، در رتبهٔ سوم پرونده‌های مختومهٔ دادگاه‌های عمومی استان قزوین قرار گرفته است (سالنامهٔ آماری استان قزوین، ۱۳۹۰)، چندین برابر این ارقام را باید اختلافات حاد و مزمن زناشویی و انواع ناسازگاری‌هایی در نظر گرفت که در آمارها نگنجانیده و خانواده‌های بسیاری را از نعمت مهر و محبت زناشویی محروم کرده است تا عمری را با نفرت، کراهت، اضطراب و دغدغهٔ خاطر به‌سر ببرند (صبوراردوبادی، ۱۳۸۷).

1.Rabstejnek

2.Emotional withdrawal

3.marital separation

4.Gottman

جدایی میان همسران طی مراحل رخ می‌دهد: اولین مرحله جدایی همسران، در روابط جنسی است، چنانچه هر دو از این وضعیت راضی باشند، زندگی را در سایر جهات ادامه می‌دهند، در جدایی عاطفی، زن و شوهر ممکن است در پی فردی باشند که پاسخ‌گوی این بخش از خواسته‌ها و نیازهای آن‌ها باشد، در مرحله جدایی مادی، هر یک از زوجین به تنهایی در پی تأمین نیازهای مادی خود بوده و در جدایی ارتباطی، زن و شوهر به تدریج ارتباطات اجتماعی و خانوادگی خود را به تنهایی انجام می‌دهند که این امر، به از دست دادن شبکه‌ای از روابط سابق منجر می‌شود. در مرحله پنجم جدایی، هر دو زوج تصمیم می‌گیرند در دو مکان مجزا به زندگی خود ادامه دهند. مرحله آخر جدایی، همان جدایی قانونی یا «طلاق» است، به صورتی که زوجین به این نتیجه می‌رسند ادامه زندگی مشترک به هر شکل برای یکی یا هر دو امکان‌پذیر نبوده و به‌جز رنج نتیجه‌ای در بر ندارد (عسگری، ۱۳۸۰).

از آنجا که پدیده طلاق عاطفی، به تازگی در عرصه مطالعات میدانی وارد شده است، به مطالعاتی اشاره می‌شود که به نحوی با کیفیت روابط زناشویی و نیز متغیرهای این پژوهش مرتبط است، طبق آمار انجمن قانون خانواده فلدستین^۱ (۲۰۱۲) تضعیف رابطه عشقی بین همسران از علل مهم جدایی و متارکه میان همسران محسوب می‌شود. فیشر^۲ (۲۰۰۵) دریافت که آگاهی از رابطه عشقی و محبت‌آمیز، به عنوان نقطه شروع حل بحران جدایی بین همسران عمل می‌کند. داویلا و برادبوری^۳ (۲۰۰۱) با بررسی تفاوت‌های فردی در سبک‌های دلبستگی همسران دریافتند که نگرانی‌های فردی مرتبط با ترک و شایستگی عشق به احتمال زیاد در ازدواج‌های حاکی از نارضایتی باقی می‌ماند. ردگسین، هال، بوفالو و فینچام^۴ (۲۰۰۶) نشان دادند که باورهای ناکارآمد درباره عشق و ازدواج به مرور زمان پیش‌بینی‌کننده طلاق در همسران است. مارو، کلارک و براک^۵ (۱۹۹۵) دریافتند که سبک‌های عشق‌ورزی همسران و باورهای

^۱.Feldstein Family Law Group

^۲.Fisher

^۳.Davila & Bradbury

^۴.Rodrigues, Hall, Buffalo & Fincham

^۵.Morrow, Clark & Brock



آن‌ها در خصوص عشق، بهترین مؤلفه پیش‌بینی کننده کیفیت روابط بین همسران است. تانگ^۱ (۲۰۰۷)، عبدی و گلزاری (۱۳۸۹) در مطالعه خود، به رابطه معنادار بین مؤلفه‌های عشق همسران با عامل رضایت از رابطه زناشویی پی بردند. از بین سبک‌های عشق ورزی، عشق شهوانی و عشق نوع‌دوستانه، پیش‌بینی‌کننده مثبتی برای رضایت زناشویی و عشق بازی‌گونه، پیش‌بینی‌کننده منفی برای رضایت و تعهد در همسران ارزیابی شد. در مطالعه کنتریاس-راموس^۲ (۱۹۸۹) مردان نسبت به زنان، دارای نگرش عشق بازی‌گونه و نوع‌دوستانه بوده، عشق شهوانی، همبستگی بالایی با رضایت زناشویی نشان داد. آرون و هنکه‌میر^۳ (۱۹۹۵) دریافتند عشق عاطفی با رضایت زناشویی در زنان رابطه متوسطی دارد. یوسفی، بشلیده، عیسی‌نژاد، اعتمادی و شیربیگی (۱۳۹۰) با استفاده از مدل تحلیل مسیر نشان دادند که سبک‌های عشق ورزی دوستانه، رمانتیک و واقع‌گرایانه با رضایت زناشویی، انسجام زناشویی و توافق زناشویی رابطه مثبت و سبک‌های عشق ورزی شهوانی، بازی‌گونه و نوع‌دوستانه با رضایت زناشویی، انسجام زناشویی و توافق زناشویی رابطه منفی دارند. امان‌الهی، اصلانی، تشکر، غوابش و نکویی (۱۳۹۱) بین نگرش‌های عشقی شهوانی، دوستانه و عملی با رضایت زناشویی رابطه معناداری مشاهده کردند و دریافتند که نگرش عشقی شهوانی، عملی و ملکی پیش‌بینی کننده معناداری برای رضایت زناشویی هستند. نادری، حیدری و حسین‌زاده مالکی (۱۳۸۸) به رابطه منفی معناداری بین مؤلفه‌های عشق و رضایت زناشویی با همسرآزاری در مردان و زنان پی برده و آن را به عنوان پیش‌بینی‌کننده همسرآزاری ارزیابی کردند. نتایج پژوهش مشاک (۱۳۹۰) نشان داد که بین عشق و ابعاد آن (صمیمیت، لذت و تعهد) با رضایت زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود داشته، مؤلفه‌های صمیمیت و تعهد، پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای رضایت زناشویی هستند. در مطالعه‌ای دیگر مشخص شد که تعهد با مشکلات زناشویی رابطه منفی و با انتظارات

1. Tung

2. Contreras-Ramos

3. Aron & Henkemeyer

عشقی و توافق زوجی رابطه مثبت دارد (کلمنتس و سونسن^۱، ۲۰۰۰). محمودی و حافظ‌الکتب (۱۳۸۹) دریافتند که سبک‌های عشق‌ورزی بر رضایت زناشویی تأثیر داشته و میانگین رضایت‌مندی افراد با سبک‌های عشق (رمانتیک، ملکی، کامل و احمقانه) بیش‌تر از افراد با سبک عشقی (پوچ، همدلانه) است. عیسی‌نژاد، احمدی و اعتمادی (۱۳۸۹) دریافتند که عشق واقع‌گرایانه زوجین به یکدیگر می‌تواند از همسانی زوجین به عنوان شاخص کیفیت و انسجام زناشویی میان همسران نشأت گرفته باشد. امری که به تفاهم و توافق بین همسران منجر شده و تضمینی برای ثبات زناشویی فراهم می‌کند. با توجه به مطالعات انجام شده در خصوص نقش نگرش‌های عشقی همسران به‌عنوان یکی از عوامل همبسته با کیفیت زناشویی، مطالعه حاضر، درصدد بررسی نقش نگرش به عشق افراد متأهل در پیش‌بینی طلاق عاطفی بود. در راستای وصول به این هدف، این پژوهش، در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر بود:

- آیا بین نگرش به عشق و طلاق عاطفی در افراد متأهل شهر قزوین رابطه معناداری وجود دارد؟
- نگرش‌های عشقی افراد متأهل تا چه میزان می‌تواند طلاق عاطفی را در زنان و مردان متأهل پیش‌بینی کند؟

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی و همبستگی بود، جامعه آماری پژوهش، کلیه زنان و مردان متأهل شهر قزوین بودند که حداقل ۵ سال و بیش‌تر از زندگی مشترک آن‌ها گذشته است، بدین ترتیب با مراجعه به منزل افراد، نمونه‌ای شامل ۲۰۰ نفر از زنان و مردان متأهل (۱۰۴ زن و ۹۶ مرد) از طریق نمونه‌گیری در دسترس از ۵ منطقه شهر قزوین انتخاب شد. گروه نمونه در دامنه سنی ۲۰ - ۷۲ سال با میانگین ۴۰/۲۳ و انحراف استاندارد ۱/۳۵ اقرار داشتند.

¹. Clements & Swensen



ابزارهای پژوهش عبارت هستند از:

مقیاس نگرش به عشق (فرم کوتاه)^۱: فرم کوتاه مقیاس نگرش‌های عشق را در سال ۱۹۹۷، هندریک و هندریک با اقتباس از نظریه جان لی، به منظور ارزیابی نگرش‌های افراد درباره عشق تهیه کردند. این آزمون ۲۴ گویه و ۶ زیرمقیاس دارد. بنابراین، ۶ نوع سبک عشقی: عشق شهوانی، عشق بازی‌گونه، عشق دوستانه، عشق عملی، عشق ملکی و عشق نوع‌دوستانه را ارزیابی می‌کند، آزمودنی می‌بایست با در نظر گرفتن رابطه کنونی خود با همسرش، میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر یک از عبارات آزمون در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) مشخص کند. برای به دست آوردن نمره هر زیر مقیاس، نمرات هر زیر مقیاس با یکدیگر جمع می‌شوند. شش زیر مقیاس یاد شده از همسانی خوبی بهره‌مند بوده، ضریب آلفای آن‌ها ۰/۷۵ تا ۰/۸۸ گزارش شده است. اعتبار این آزمون به نقل از نوری و جان بزرگی (۱۳۹۰)، ۰/۸۹ گزارش شد. پایایی هر یک از زیر مقیاس‌ها در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ، دامنه‌ای از ۰/۴۹ تا ۰/۸۱ و پایایی کل این آزمون، ۰/۸۲ به دست آمد.

مقیاس طلاق عاطفی^۲: گاتمن (۲۰۰۰) این پرسشنامه را در ۲۴ گویه به شکل دو گزینه‌ای بلی (۱) یا خیر (۰) تنظیم کرده است (به نقل از جزایری، ۱۳۸۸). پس از جمع کردن پاسخ‌های مثبت، چنانچه تعداد آن برابر هشت (۸) و بالاتر باشد، به این معنا است که زندگی زناشویی فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق روانی در او مشهود است. پایایی کل مقیاس در این پژوهش، با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۹۳ به دست آمد. روایی صوری این پرسشنامه با نظر متخصصان تأیید شد. برای به دست آوردن روایی سازه از تحلیل عاملی به روش چرخشی واریماکس و آزمون اسکری استفاده شد و بدین صورت چهار عامل شناسایی شد: جدایی و فاصله از

^۱. Love Attitudes Scale

^۲. emotional divorce scale

یکدیگر، احساس تنهایی و انزوا، نیاز به همراه و هم‌صحبت و احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری. مقادیر اشتراک و بار عاملی سؤالات پرسشنامه نشان داد که بار عاملی همه سؤالات در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار داشته، بارعاملی مقبولی دارند.

پرسشنامه‌ها پس از تکمیل توسط پرسشگران، کدگذاری شده و از طریق نرم‌افزار DE و SPSS20 با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱: وضعیت طلاق عاطفی در گروه نمونه پژوهش

حد اکثر	حداقل	انحراف استاندارد	میانگین	درصد	فراوانی	
۰۰/۳۴	۰/۰۰	۶/۷۰	۷/۰۹	۳۶	۷۲	دارای نشانگان طلاق عاطفی
				۴۶	۱۲۸	بدون نشانگان طلاق عاطفی
				۱۰۰	۲۰۰	کل

با توجه به نوع نمره‌گذاری مقیاس طلاق عاطفی و ارائه نمره برش، طبق جدول ۱ می‌توان گفت که از ۲۰۰ نفر نمونه پژوهش، ۷۲ نفر دارای نشانگان طلاق عاطفی و ۱۲۸ نفر بدون نشانگان طلاق عاطفی بودند.

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد نمرات مؤلفه‌های نگرش

به عشق و طلاق عاطفی در زنان و مردان

متغیرها		زن		مرد		کل
	M	SD	M	SD	M	SD
طلاق عاطفی	۷/۸۶	۶/۸۴	۶/۲۵	۶/۴۸	۷/۰۹	۶/۷۰
عشق شهوانی	۱۶/۳۶	۳/۶۵	۱۷/۳۵	۳/۸۰	۱۶/۸۴	۳/۷۴



متغیرها	زن	مرد	کل
عشق بازی‌گونه	۱۱/۹۱	۱۲/۳۵	۳/۸۵
عشق دوستانه	۱۴/۱۲	۱۵/۴۷	۴/۶۵
عشق عملی	۱۵/۰۸	۱۵/۱۳	۳/۴۳
عشق ملکی	۱۴/۵۵	۱۵/۲۶	۳/۹۴
عشق نوع‌دوستانه	۱۵/۷۶	۱۷/۸۸	۳/۶۲

جدول ۳: ماتریس همبستگی نگرش به عشق و طلاق عاطفی

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱								
۲	۰/۲۶ **							
۳	۰/۳۰ *	۰/۶۰ **						
۴	۰/۲۶ **	۰/۳۰ *	۰/۳۰ *					
۵	۰/۲۶ **	۰/۳۰ *	۰/۳۰ *	۰/۳۰ *				
۶	۰/۲۶ **	۰/۳۰ *	۰/۳۰ *	۰/۳۰ *	۰/۳۰ *			
۷	۰/۲۶ **	۰/۳۰ *	۰/۳۰ *	۰/۳۰ *	۰/۳۰ *	۰/۳۰ **		
۸	۰/۲۶ **	۰/۳۰ *	۰/۳۰ *	۰/۳۰ *	۰/۳۰ *	۰/۳۰ **	۰/۳۰ **	

* $P \leq 0.01$ ** $P \leq 0.05$

جدول ۲ نشان می‌دهد که بین طلاق عاطفی و نگرش به عشق به‌طور کلی ($p \leq 0/001$)، بین طلاق عاطفی و عشق شهوانی ($N:200$)، $p \leq 0/001$ ، $R^2 = 0/30$ ، بین طلاق عاطفی و عشق دوستانه ($N:200$)، $p \leq 0/002$ ، $R^2 = 0/36$ ، بین طلاق عاطفی و عشق نوع دوستانه ($N:200$)، $p \leq 0/002$ ، $R^2 = 0/16$ همبستگی منفی مشاهده می‌شود.

جدول ۴: رگرسیون گام به گام پیش‌بینی متغیر طلاق عاطفی در زنان و مردان

مردان	متغیر پیش‌بین	R	R ²	B	β
	مقدار ثابت	...		۲۱/۹۵	
	عشق شهوانی	۰/۵۸	*۰/۳۴	۰/۹۳-	۰/۵۸-
زنان	متغیر پیش‌بین	R	R ²	B	β
	مقدار ثابت	...		۲۱/۶۲	
	عشق شهوانی	۰/۴۶	*۰/۲۱	۰/۸۵-	۰/۴۶-
کل	متغیر پیش‌بین	R	R ²	B	β
۱	عشق شهوانی	۰/۵۵	*۰/۳۰	۰/۹۵-	۰/۵۵-
۲	عشق شهوانی	۰/۵۷	**۰/۳۲	۰/۹۷-	۰/۵۶-
	عشق بازی‌گونه			۰/۲۶	۰/۱۵
	عشق شهوانی			۰/۴۶-	۰/۸۱-
۳	عشق بازی‌گونه	۰/۵۸	**۰/۳۳	۰/۱۷	۰/۳
	عشق دوستانه			۰/۱۵-	۰/۲۲-

* $P \leq 0/01$ ** $P \leq 0/05$

جدول ۴ نشان می‌دهد که از بین نگرش‌های عشقی در مردان، نگرش عشق شهوانی به میزان [$R^2 = 0/34$, $F(1,95) = 49/88$, $p \leq 0/001$]، و از بین نگرش‌های عشقی در زنان نیز، نگرش عشق شهوانی به میزان [$R^2 = 0/21$, $F(1,102) = 27/43$, $p \leq 0/001$]،



قادر است طلاق عاطفی را در آن‌ها پیش‌بینی کند. معادله خطی رابطه فوق به شرح زیر است:

$$۱) - (\text{عشق شهوانی}) + ۲۱/۹۵ (\text{مقدار ثابت}) = \text{طلاق عاطفی در مردان } ۰/۵۸$$

$$۲) ((\text{عشق شهوانی}) + ۲۱/۶۲ (\text{مقدار ثابت})) = \text{طلاق عاطفی در زنان } -۰/۴۶$$

به طور کلی، نگرش‌های عشقی در سه گام، قادر هستند طلاق عاطفی را در افراد متأهل پیش‌بینی کنند، معادله خطی این رابطه به شرح زیر است:

$$۱) - (\text{عشق شهوانی}) + ۲۲/۸۸ (\text{مقدار ثابت}) = \text{طلاق عاطفی } ۰/۵۵$$

$$۲) ((\text{عشق شهوانی}) + ۲۲/۸۸ (\text{مقدار ثابت})) = \text{طلاق عاطفی } -۰/۵۶ + (\text{عشق بازی گونه}) ۰/۱۵$$

$$۳) ((\text{عشق شهوانی}) + ۲۲/۸۸ (\text{مقدار ثابت})) = \text{طلاق عاطفی } -۰/۸۱ + (\text{عشق بازی گونه}) ۰/۳$$

$$+ - (\text{عشق دوستانه}) ۰/۲۲$$

بحث و نتیجه‌گیری

باید پذیرفت که در همه پیوندهای زناشویی به داشتن محبتی معتدل توصیه شده است. چنین مهری به پیوند زناشویی، خرسندی و شادمانی بخشیده، وجود چنین مهری برای ادامه زندگی مشترک ضروری است. بنابراین، فراتر از نیاز وجودی آدمیان به وصل، نیاز مشخص و «زیستی» وجود دارد و آن آرزوی وصل و پیوند بین دو قطب مذکر و مؤنث است. آرزویی که گاه با تفاوت در تصورات و نگرش‌های زنان و مردان به مقوله عشق، پس از پیوند زناشویی به مرور زمان، به تضاد و تعارض مبدل شده و دست نیافتنی تلقی شده است.

آنچه در این پژوهش بررسی شد، نقش نگرش‌های مختلف عشقی و قدرت پیش‌بینی‌پذیری طلاق عاطفی بر این اساس بود، بنابراین، در پاسخ به پرسش اول پژوهش، باید گفت بین نگرش به عشق به طور کلی و طلاق عاطفی، بین طلاق عاطفی و عشق شهوانی، بین طلاق عاطفی و عشق نوع دوستانه و بین طلاق عاطفی و عشق دوستانه رابطه همبستگی معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های کنتریراس - راموس (۱۹۸۹) تانگ (۲۰۰۷) و عبدی و گلزاری (۱۳۸۹)، عیسی‌نژاد و

همکاران (۱۳۸۹)، انجمن قانون خانواده فلدستین (۲۰۱۲)، فیشر (۲۰۰۵)، داویلا و برادبوری (۲۰۰۱)، ردرگسین و همکاران (۲۰۰۶)، آرون و هنکه‌میر (۱۹۹۵)، یوسفی و همکاران (۱۳۹۰)، مشاک (۱۳۹۰) و محمودی و حافظ‌الکتب (۱۳۸۹) همخوان است.

نمرات به‌دست آمده از جدول ۴ نشان می‌دهد که نگرش‌های عشقی شهوانی و دوستانه به‌طور منفی و نگرش عشقی بازی‌گونه به‌طور مثبت، قادر است در سطح معناداری ($p \leq 0/01$) طلاق عاطفی را در همسران پیش‌بینی کند. این یافته در راستای پژوهش امان‌الهی و همکاران (۱۳۹۱)؛ عبدی و گلزاری (۱۳۸۹) است.

در تبیین یافته‌های پژوهش، می‌توان گفت افراد دارای نگرش شهوانی به عشق، احتمالاً چنین تصور می‌کنند که شریک زندگی آن‌ها ایده‌آل‌ترین فرد مورد نظر آن‌ها است. واکنش این افراد در برابر انتقاد، کشمکش و تعارضات با شریک زندگی، درد و اندوه بسیار است. در چنین نگرشی، تجربه جنسی، تجربه غایی زیبایی‌شناختی تلقی می‌شود. به نقل از هالفورد (۱۳۸۴) روابط جنسی ناخوشایند، منشاء تعارضات در زوجینی است که از زندگی زناشویی خود ناراضی هستند. رضایت اولیه از روابط جنسی بین زوجین، پیش‌بینی‌کننده نیرومندی برای کیفیت رابطه زوجین است. از نظر مسترز و جانسون (۱۳۸۶) نیز مشکلات جنسی اغلب ناشی از ارتباطات ضعیف زوجین بوده، لذا اولین قدم در درمان چنین مشکلاتی، بهبود روابط عاطفی بین زوجین محسوب می‌شود.

در عشق بازی‌گونه، عشق در قالب وقت‌گذرانی و به صورت یک بازی مطرح است. عشقی که در آن تعهد کم‌تری وجود دارد، افراد دارای نگرش عشقی بازی‌گونه، به ندرت یا هرگز به یک شریک بسنده نکرده و اغلب همزمان درگیر رابطه عشقی با چند شریک می‌شوند. این دسته از افراد، از بیان افکار و احساسات واقعی خود به شریک زندگی خود امتناع می‌ورزند، این افراد با توجه به زمینه بازی، بازیکن خود را انتخاب کرده، در صورت نیاز اقدام به جایگزینی کرده و حتی الامکان از درگیر شدن در روابط پایا اجتناب می‌کنند. لذا این احتمال وجود دارد که این نوع نگرش عشقی پیش‌بینی‌کننده مثبتی برای طلاق عاطفی و ناسازگاری‌های زناشویی محسوب شود.



در نظر بسیاری از افراد، تعهد جزء ذاتی و لاینفک عشق محسوب می‌شود. افراد دارای نگرش دوستانه به عشق، شریک زندگی خود را بر اساس همسانی و بر مبنای تعهد، شریک خود را انتخاب می‌کنند و به منظور پرهیز از بی‌وفایی، سعی در حفظ اعتماد دوجانبه دارند. برای این افراد، احترام، صمیمیت و درک دوجانبه از اهمیت بیش‌تری بهره‌مند است. این نوع نگرش عشقی، با عشق عاطفی مطابقت می‌کند. مبتنی بر یافته کلمنتس و سونسن (۲۰۰۰) تعهد به همسر، نیرومندترین پیش‌بینی‌کننده کیفیت زناشویی است. با استناد به نظر لی (۱۹۸۸) در روابط بین زوجین نگرش‌های مختلف عشقی وجود دارد و هرگز نمی‌توان در یک رابطه به یک باور عشقی ناب و خالص دست یافت، به علاوه، نگرش‌های عشقی با تحول روابط تغییر می‌کنند. به گونه‌ای که می‌توان این احتمال را مطرح کرد که تغییر و تحول در کیفیت روابط زناشویی، سبک‌های عشق‌ورزی زوجین، نگرش و باورهای همسران را نسبت به مقوله عشق دگرگون می‌کند.

با این توصیف، به باور فیشر (۲۰۰۵) آگاهی همسران از باورهای عشقی خود احتمالاً بتواند شروعی برای حل تعارضات زوجین باشد، چنین دانشی به شناخت ابعاد مخرب و نیز سازنده روابط میان همسران منجر شده، با شناخت این عناصر، زوجین تلاش خواهند کرد تا رابطه‌ای نوین و حتی متفاوت از پیش شکل دهند. زوجین باید بیاموزند چگونه با تغییر زندگی خود، راه را برای تحول احساسات خویش هموار ساخته، نگرش‌های خود پیرامون عشق را به منظور تداوم پیوندهای مستحکم زناشویی اصلاح و تعدیل کنند. لذا، مشاوران و زوج‌درمانگران می‌توانند بر باورهای زوجین نسبت به مقوله عشق متمرکز شوند، با آگاه کردن همسران از انتظارات و نگرش‌های یکدیگر به عشق و دوست داشتن قدمی در راه تثبیت زندگی زناشویی آن‌ها بردارند. از آنجا که موضوع طلاق عاطفی به کیفیت روابط پنهان زوجین توجه می‌کند، از جمله محدودیت‌های پژوهش، نگرش‌های محافظه‌کارانه آن‌ها در پاسخ‌گویی به سؤالاتی بود که در آن به جنبه‌های خصوصی زندگی آن‌ها توجه شده بود، لذا پیشنهاد می‌شود در

پژوهش‌های کیفی و عمیق این موضوع با روش مصاحبه و مشاهدات بالینی به دقت بررسی شود.

منابع

- اتکینسون و همکاران (۱۳۸۷). *زمینه روان‌شناسی*. ترجمهٔ براهنی و همکاران. تهران: رشد.
- ادارهٔ کل ثبت احوال استان قزوین (۱۳۸۹ و ۱۳۹۰). به نشانی <http://www.qazvin-nocr.ir> تاریخ دسترسی ۱۳۹۲/۲/۲۹.
- ارونسون، الیوت (۱۳۹۱). *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمهٔ حسین شکرکن. ویرایش هشتم. چاپ هفتم. تهران: رشد.
- استرنبرگ، ر. جی (۱۳۹۱). *قصهٔ عشق: نگرشی تازه به روابط زن و مرد*. ترجمهٔ علی اصغر بهرامی. چاپ اول. تهران: جوانهٔ رشد.
- امان‌الهی، عباس، اصلانی، خالد، تشکر، هاجر، غوابش، سعاد و نکویی، سمیه (۱۳۹۱). بررسی رابطهٔ سبک‌های دلبستگی عاشقانه و عشق با رضایت زناشویی. *نشریهٔ مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان*. ۱۰(۳): ۸۶-۶۳.
- بدار، لوک، دزیل، ژوزه، و لامارش، لوک (۱۳۸۱). *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمهٔ حمزه گنجی. تهران: ساوالان.
- بک، آرون. تی (۱۳۹۰). *عشق هرگز کافی نیست*. ترجمهٔ مهدی قراچه داغی. تهران: پیکان.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۳). *جوانان و ازدواج*. چاپ دوم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خواصی، اکرم (۱۳۸۹). *معنای حریم همسران در ازدواج‌های موفق*. تهران: قطره.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. چاپ دوم. تهران: سروش.
- سالنامهٔ آماری استان قزوین (۱۳۹۰). بخش قضایی. آمار پرونده‌های مختومهٔ مربوط به جرائم قضایی.



- صبور اردوبادی، احمد. (۱۳۸۷). *پیوندهای پایدار*. ج دوم. تهران: بهمن برنا.
- عبدی، حمزه و گلزاری، محمود. (۱۳۸۹). ارتباط میان سبک‌های عشق و ویژگی‌های شخصیتی. *روان‌شناسی و دین*. ۳(۳): ۵۳-۷۴.
- عسگری، حسن (۱۳۸۰). *نقش بهداشت روان در ازدواج، زندگی زناشویی و ازدواج*. چاپ اول. تهران: گفتگو.
- عیسی‌نژاد، امید، احمدی، سید احمد و اعتمادی، عذرا (۱۳۸۹). روابط ساختاری میان سبک‌های عشق‌ورزی و کیفیت روابط زناشویی. *پژوهش‌های مشاوره*. ۱۱(۱۴): ۴۳-۲۷.
- فروم، اریک (۱۳۸۰). *هنر عشق ورزیدن*. ترجمه پوری سلطانی. تهران: مروارید.
- گاتمن، جان. (۱۳۸۸). *موفقیت یا شکست در ازدواج*. ترجمه ارمان جزایری. تهران: خجسته.
- محمودی، غلامرضا و حافظ‌الکتب، لیلی (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های عشق‌ورزی و رضایت‌مندی زناشویی. *فصلنامه تحقیقات روان‌شناختی*. ۲(۶): ۱۰۱-۱۱۴.
- مسترز، ویلیام، جانسون، ویرجینیا (۱۳۸۶). *احساسات و پاسخ‌های جنسی انسان*. ترجمه بهنام اوحدی. چاپ هفتم. اصفهان: صادق هدایت.
- مشاک، رویا (۱۳۹۰). بررسی رابطه سبک‌های عشق با رضایت زناشویی دانشجویان متأهل. *زن و فرهنگ*. ۸۳-۹۷.
- نادری، فرح، حیدری، علیرضا و حسین‌زاده مالکی، زینب (۱۳۸۸). رابطه بین دانش و نگرش جنسی، مؤلفه‌های عشق و رضایت زناشویی با همسرآزاری در کارکنان متأهل ادارات دولتی شهر اهواز. *زن و فرهنگ*. ۱(۱): ۲۸-۴۵.
- نوری، نسیم و جان بزرگی، مسعود (۱۳۹۰). رابطه بین سبک‌های دلبستگی و نگرش افراد به عشق با ارزش‌های ازدواج. *مجله علوم رفتاری*. ۵(۳): ۲۲۵-۲۳۳.
- هالفورد، دک (۱۳۸۴). *زوج درمانی کوتاه مدت*. ترجمه مصطفی تبریزی، مزده کاردانی و فروغ جعفری. تهران: فراوان.

یوسفی، ناصر، بشلیده، کیومرث، عیسی‌نژاد، امید، اعتمادی، عذرا و شیربیگی، ناصر (۱۳۹۰) رابطه سبک‌های عشق ورزی و کیفیت زناشویی در میان افراد متأهل. *دوفصلنامه مشاوره کاربردی*. ۱(۱): ۲۱-۳۶.

Aron, Arthur & Henkemeyer, Lisa (1995). Marital Satisfaction and Passionate Love. *Journal of Social and Personal Relationships*. 12 (1): 139-146.

Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practice*. New York: Aronson.

Clements, R. & Swensen, C. H. (2000). Commitment to one's spouse as a predictor of marital quality among older couples. *Current Psychology* 19(2):110-119 .

Contreras-Ramos, R.J (1989) *Marital satisfaction, attitudes towards love & sex in Mexican-American couples: Across cultural perspective*. Submitted to the Graduate Faculty of Texas Tech University in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of philosophy.

Cook, J. L. & Jones, R. M. (2002). Congruency of Identity Style in Married Couples. *Journal of Family Issues*, 23: 912-926.

Davila, J., & Bradbury, T.N. (2001). Attachment insecurity and the distinction between unhappy spouses who do and do not divorce. *Journal of Family Psychology*, 15, 371-393.

Feldstein Family Law Group (2012). *Divorce Fact*. Available at www.separation.ca.

Fisher, Bruce. (2005). *Rebuilding: When Your Relationship Ends*. Impact Publishers, Inc.; 3 edition.

Gottman, J. M. (1993). A Theory of Marital Dissolution and Stability. *Journal of Family Psychology*, 7(1), 57-75.

Gottman, J. M., (2012) Research FAQs. The Gottman Relationship Institute. Retrieved <http://www.gottman.com/research/research-faqs/21> March 2012.

Lee, J. A. (1988). *Love styles*. In Barnes MH, Sternberg RJ. *The Psychology of love*. New Haven, Conn: Yale University Press.

Morrow, G. D., Clark, E. M. & Brock, K. F. (1995). Individual and Partner Love Styles: Implications for the Quality of Romantic Involvements. *Journal of Social and Personal Relationships*, vol. 12(3), 363-387.

Rabstejnek, Carl V. (n.d.). *Family systems & Murray Bowen theory*. Retrieved from <http://www.houd.info/bowenTheory.pdf>



- Rodrigues, A. E., Hall, J. H., & Fincham, F. D. (2006). *What Predicts Divorce and Relationship Dissolution?* Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates Publishers .
- Tung, T.P. (2007). *Romantic Relationship: Love Styles, Triangular Love & Relationship Satisfaction*. Bachelor Thesis of Social Sciences at the City University of Hong Kong.



نویسندگان

f.mousavi@alzahra.ac.ir

سیده فاطمه موسوی

استادیار گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء (س)

سید محمدرضا رضازاده

استادیار گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه تهران

